



کفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت چهاردهم) قتلگاه؛ قبرستان بین المللی و فراموش شده

مرضیه ترابی

تأپیش از آنکه در اطراف حرم رضوی، فلکه حضرت (در قالب فلکه‌های شمالی و جنوبی) ایجاد شود، یعنی حدود سال ۱۳۱۳ خورشیدی، در ضلع شمالی حرم، تقریباً در جایی که امروزه باغ رضوان و رزینگ، ورودی طبرسی قرار دارد، قبرستانی بسیار بزرگ و مشهور به نام «قتلگاه»، وجود داشت. قبرستانی بسیار قدیمی که شاید بتوان آن را کهن‌سال‌ترین گورستان شهر مشهد نامید. البته «قتلگاه»، تنها قبرستان شهر مشهد نبود. حتما می‌دانید که در گذشته‌های نه‌چندان دور، هر محله‌ای یک قبرستان فعال داشت و معمولاً ساکنان یک محله، اموات خود را در گورستان همان محله دفن می‌کردند. این طوری هم‌مدیریت به‌قول امروزی‌ها، آرامستان‌ها ساده‌تر می‌شد و هم مردم به مزار عزیزانشان بهتر دسترسی داشتند و زود به زود به زیارت اهل قبور می‌رفتند. اما حساب «قتلگاه، از بقیه گورستان‌های شهر جدا بود. این قبرستان به محله‌یا شهر مشهد اختصاص نداشت. یک گورستان بین‌المللی بود. چیزی شبیه «وادی السلام»، در نجف

یا «باب‌الصغیر» در دمشق و یا شاید «بقیع» در مدینه. این قبرستان مجاور حرم رضوی قرار داشت و چون دفن در اماکن متبرکه محدودیت خودش را داشت، به سرعت تبدیل به مکانی برای دفن اموات، برای بهره‌بردن روح آن‌ها از برکات مضجع شریف رضوی شد.^(۱) قتلگاه، برای همه گروه‌های مذهبی علاقه‌مند به امام‌رضا^(ع) محترم و دارای اهمیت بود. حتی درواش «بکتاشیه، در وسط آن مسجدی داشتند که برای آن موقوفاتی در نظر گرفته‌بودند. طبیعی بود که چنین قبرستانی، پرونده‌ای از داستان‌های شگفت‌انگیز تاریخی که برخی از آن‌ها به افسانه‌ها تنه می‌زند، داشته‌باشد. داستان‌هایی که البته، فقدان مستندات، اصالت تاریخی آن‌ها را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد و نمی‌گذارد پژوهشگر تاریخ، به آنچه مطلوب اوست، دست پیدا کند. بد نیست با هم چند روایت نقل شده درباره نام‌گذاری این قبرستان را مرور کنیم. قبرستانی که امروزه، تنها بخشی از آن، با مزار چند تن از علمای مشهد، در قالب «صحن رضوان» در حرم رضوی باقی است. البته اگر بشود این صحن را، با تاریخچه مجزای آن، بخشی از قبرستان «قتلگاه» به حساب آورد.

- غُسلگاه یا قتلگاه؟**

برخی معتقدند که نام «قتلگاه» مانند خیلی از نام‌های مکانی، در طول تاریخ دچار تغییر در لفظ شده است. بگذارید مثالی بزنم تا قضیه را بهتر درک کنید، نام طریقه امروزی در متون قدیمی، مثلاً متون قرن چهارم هجری، «طروغ‌بُذ» بود، اما این نام به‌تدریج در طول تاریخ تغییر کرد و شد طریقه یا منطقه تلگرد که روزگاری نامش «تیل‌گرد» بود حالا شده‌است تلگرد. به اعتقاد این افراد، نام اولیه قبرستان «قتلگاه»، «غُسلگاه» بوده‌است، محل غسل و کفن امام رضا^(ع). قاضی احمد قمی، نویسنده عصر صفویه در کتاب «خلاصه‌التواریخ»، ضمن نقل داستان تدفین رستم‌میرزا فرزند سام‌میرزا، از شاهزادگان صفوی، به این روایت اشاره می‌کند و البته داستانی که حول این اعتقاد شکل گرفته‌است را می‌آورد: «زمین موسوم به غسلگاه که حضرت امام رضا^(ع) از آجرت کتابت کلام… ملک آن را خرید و وقف بر مقابر مؤمنین نموده، این روایت از پایه، فاقد مستندات تاریخی است. توقف امام رضا^(ع) در کاخ حمید بن فطحبه و شهادت آن حضرت، زمان بسیار کوتاهی را در بر می‌گیرد، از قدر کوتاه که نه برای نوشتن قرآن کافی است و نه حتی به خرید زمین. به نظر می‌رسد این روایت افسانه‌ای، با تقلید از آنچه که درباره کربلا و خرید زمین حرم امام حسین^(ع) از سوی آن حضرت نقل می‌شود، انجام گرفته‌باشد. اما هر چه هست، تردیدی نداریم که این روایت، فقط جنبه فولکلوریک دارد و نمی‌توان روی تاریخی بودن آن حساب باز کرد،

- پای ازبک‌ها در میان است**

روایت دوم که پایه و اساس تاریخی بهتری دارد، مربوط است به سال ۹۹۷ هجری قمری (۹۶۷ خورشیدی) و هجوم عبدالمؤمن خان ازبک‌به مشهد. روایتی که اگر یادتان باشد، در قسمت‌های نخست مشهدیات به آن پرداختم. ضمن نقل «قصه ما و ازبک‌ها» (قسمت دوم مجموعه مشهدیات)، حاج ملاهاشم خراسانی، از علمای بنام دوران معاصر که در عصر مشروطه و اندکی پس از آن می‌زیست، در کتاب «منتخب التواریخ»، ضمن اشاره به ماجرای حمله ازبکان، از قتل عام گسترده مردم آسوی آن‌ها سخن می‌گوید، موضوعی که شواهد تاریخی بسیاری درباره آن داریم و گزارش‌های مربوط به این واقعه، در آثار معاصر آن، مانند «عالم‌آرای عباسی»، اثر اسکندربیک منشی، وجود دارد.

حاج‌ملا هاشم می‌نویسد: «مدفونین در قبرستان قتلگاه، مقتول آن واقعه بودند و لذا آن زمین را قتلگاه می‌گفتند» این روایت، به دلیل داشتن پشتوانه مستند، تأمل‌برانگیز است و باید به آن توجه کرد اما برای پذیرفتن آن، حمله نکنید و تصمیم نهایی را بعد از فهمیدن همه گزارش‌ها بگیرید.

- روایت سوم: تأمل برانگیزتر**

اما روایت سوم که شاید تأمل‌برانگیزتر از بقیه روایات باشد، روایتی است که می‌گوید نام‌گذاری این قبرستان قدیمی به عنوان قتلگاه، در سال ۵۱۰ هجری قمری (۴۹۵ خورشیدی) و ضمن کشتاری اتفاق افتاد که ریشه در یک دعوای اعتقادی داشت. اجازه بدهید شرح ماقوع را از زبان عزالدین علی بن اثیر (درگذشته ۶۲۰ هجری قمری)، مشهور به «ابن اثیر»، نویسنده کتاب «الکامل فی‌التاریخ» و البته با ترجمه مرحوم ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی بخوانیم: «در این سال (۵۱۰ هجری قمری)، در روز عاشورا (دهم ماه محرم)، شورش بزرگی در طوس، در آرمگاه علی ابن موسی الرضا علیه‌السلام، برپا شد. علت بروز این آشوب، آن بود که روز عاشورا، یک نفر علوی در مشهد با یکی از فقیهان طوس درافتاد و کار این اختلاف به زد و خورد کشید. پس از پایان مشاجره، هر یک از آن دو تن به دسته خود پیوست و فتنه عظیمی برخاست که در آن، تمام اهل طوس شرکت جستند و مشهد را احاطه کردند و ویران ساختند و هر که را که یافتند کشتند. عاقبت پس از آنکه در این نزاع گروهی کشته شدند و دارایی عده‌ای به غارت رفت، طرفین دعوا دست برداشتند و پراکنده گردیدند. بر اثر این پیش‌آمد، مردم مشهد، از مجلس عظمی که در روزهای جمعه برپا می‌داشتند صرف‌نظر کردند. فتنه مشهد باعث شد که عضالدین فرامرز بن علی، دیوار محافظی برای مشهد بنا کند تا هرگاه که مورد حمله قرار می‌گیرد ساکنان آن در امان باشند و در پناه آن خود را حفظ کنند. این دیوار به سال ۵۱۵ هجری قمری ساخته شد، اعتقاد برخی از مورخان این است که آمار بالای مقتولان آن واقعه و دفن آن‌ها در محل قبرستان شمال حرم مطهر که ظاهراً از قدیم‌الایام وجود داشت، باعث شد که نام این مکان به «قتلگاه» شهرت یابد. به اعتقاد نگارنده، سابقه بیشتر روایت مربوط به سال ۵۱۰ هجری قمری که به ساخته شدن قدیمی‌ترین باروی شهر مشهد به دست عضدالدین فرامرز بن علی، از امرای شیعه آل کاویه و در خدمت سلجوقیان انجام‌می‌د، می‌تواند باعث رجحان این روایت درباره قبرستان قتلگاه، نسبت به دیگر روایات باشد؛ …! اعلم.

پی‌نوشت:

از دردسرهایی که متولیان آستان قدس داشتند، دفن مخفیانه و شبانه اموات در قبرستان قتلگاه بود. به دلیل اعتقاد مردم مبنی بر موقوف بودن زمین قبرستان از سوی امام رضا^(ع)، این اتفاق مکرر می‌افتاد مخصوصاً در دوره قاجار، یکی از دردسره‌ای رایج مسئولان امر بود و چون نیش قیر میت اشکال شرعی داشت، عملاً آن‌ها را در وضعیت عمل انجام شده قرار می‌داد.

شهریار

۳۳ شنبه
۲۶ مهر ۱۳۹۱
۲۱ بهمن‌اول ۱۴۴۴
شماره ۳۷۸۶

۱۵



تاریخ و هویت

تصویر از برگزاری مسابقات ورزشی در ورزشگاه سعدآباد، دهه ۴۰ خورشیدی



هویت تاریخی قدیمی‌ترین بنای سخت‌افزاری ورزش شهر خالی از لطف نیست، جست‌وجویی که البته بر بود از ضدونقیض‌های اسناد موجود تاریخ و روایت‌های ناموجود زبان شفاهی، آن‌ها که عمرشان به جوانی ورزشگاه تختی شهر یا همان سعدآباد قد می‌دهد.	«سعدآباد، نامیده می‌شد، امروز کهنه ورزشگاه شهر است که قامت خمیده و شمایلش به پیر فرتوتی می‌ماند که جان‌از تنش به در شده و غرور تاریخ پا بر جایش داشته است. بیست‌وششمین روز از مهر پاییزی به نام روز تربیت‌بدنی نام‌گذاری شده و در این میان مرور خاطرات و جست‌وجودر	مشهد است. اینکه مجموعه ورزشی تختی، قدیمی‌ترین مجموعه ورزش مشهد است. بدیهی و بلاشک است. اما در نگاه به آیینه تاریخ این سؤال اساسی وجود دارد که روند شکل‌گیری این بنای هویت‌ساز چگونه و مربوط به چه زمانی بوده است؟ تختی که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی	مرتضی اخوان
--	---	--	--------------------

درست شبیه زدودن زنگار فراموشی از کتاب تاریخ. کافی است در میان اسناد موجود و ناموجود زمان به جست‌وجوی تاریخچه بنای قدیمی شهر بنشینیم که نامش هویت ورزش

- پیش از سعدآباد**

به روایت مطبوعات، پیش از ایجاد نخستین ورزشگاه مشهد، بیشتر فعالیت‌های ورزشی به جز دومیدانی، تیراندازی و رشته‌هایی از این دست که در میدان مشق قشون برگزار می‌شده، علاقه‌مندان برای شرکت یا تماشای باقی مسابقات مانند فوتبال، آکروبات‌بازی، و… به کلوپ فردوسی که زیر نظر انجمن فردوسی اداره می‌شده (هم‌زمان با پهلوی اول ایجاد شده‌است) می‌رفتند. این مکان بعدها (پس از برگزاری هزاره فردوسی و مسابقات چندماهه‌ای که در واقع، صورتی جشن‌گونه داشته) به حیاط دبیرستان فردوسی کشیده می‌شود، به طوری که تا پیش از ساخت ورزشگاه، مکان عمده مسابقات در دوام‌گار کلوپ یادپیرستان فردوسی بوده‌است. بعدها با بیشتر شدن گرایش به ورزش، نیاز به وجود یک ورزشگاه در شهر احساس شد و آن قدر قوی شد که سرانجام به ایجاد یک ورزشگاه ختم شد. ورزشگاهی که اسناد ماجرای ساختنش را این‌طور روایت می‌کنند:

- ۱۳۲۰ دویدن به دور اول و آرزوها**

روایت دقیق است: «روز پنجم فروردین ۱۳۲۰ مسابقه دوومیدانی در زمین سعدآباد با حضور آقای پاکروان استاندار و آقای صادقی‌نژاد و اعضای انجمن ملی تربیت‌بدنی و جمعیت زیادی از علاقه‌مندان به ورزش انجام گرفت. «این عین عبارتی است که در سالنامه ورزش خراسان به تاریخ انتشار اردیبهشت ۱۳۲۵ ذکر شده است عبارتی که در خلال گزارش برگزاری مسابقات دوومیدانی قهرمانی کشور در مشهد به آن اشاره شده است. در ادامه این سند تصویری از دویدن «معانی» قهرمان

ورزشگاه پیر شهر چه در دهه ۲۰ خورشیدی و چه در سال‌های ابتدایی دهه ۳۰ دایر شده باشد، به هر تقدیر حالا عمری قریب به هفتاد‌واندی سال دارد. آنچه در اسناد مکتوب و تاریخ شفاهی این بنای هویتی ورزش مشهد ذکر شده همه بیانگر آن است که روند شکل‌گیری مجموعه ورزشی تختی به یک‌باره نبوده‌و طی سالیان متمادی رفته رفته بخش‌های مختلف این مجموعه از زمین چمن بگیرد تا پیست تارتان و سالن کشتی ساخته شده‌است. اما مسئله مهم دیگری که درباره این ورزشگاه مطرح است، تغییر نام آن از «سعدآباد» به «تختی» است. شاید بسیاری بر این گمان‌اند که این تغییر نام از حیث زمانی بعد از انقلاب اسلامی صورت گرفته اما جالب است بدانید در کشاکش

ورزشگاه پیر شهر چه در دهه ۲۰ خورشیدی

و چه در سال‌های ابتدایی دهه ۳۰ دایر شده باشد، به هر تقدیر حالا عمری قریب به هفتاد‌واندی سال دارد. آنچه در اسناد مکتوب و تاریخ شفاهی این بنای هویتی ورزش مشهد ذکر شده همه بیانگر آن است که روند شکل‌گیری مجموعه ورزشی تختی به یک‌باره نبوده‌و طی سالیان متمادی رفته رفته بخش‌های مختلف این مجموعه از زمین چمن بگیرد تا پیست تارتان و سالن کشتی ساخته شده‌است. اما مسئله مهم دیگری که درباره این ورزشگاه مطرح است، تغییر نام آن از «سعدآباد» به «تختی» است. شاید بسیاری بر این گمان‌اند که این تغییر نام از حیث زمانی بعد از انقلاب اسلامی صورت گرفته اما جالب است بدانید در کشاکش

ورزشگاه پیر شهر چه در دهه ۲۰ خورشیدی

و چه در سال‌های ابتدایی دهه ۳۰ دایر

شده باشد، به هر تقدیر حالا عمری قریب

به هفتاد‌واندی سال دارد. آنچه در اسناد

مکتوب و تاریخ شفاهی این بنای هویتی

ورزش مشهد ذکر شده همه بیانگر آن است

که روند شکل‌گیری مجموعه ورزشی تختی

به یک‌باره نبوده‌و طی سالیان متمادی رفته

رفته‌بخش‌های مختلف این مجموعه از زمین

چمن بگیرد تا پیست تارتان و سالن کشتی

ساخته شده‌است. اما مسئله مهم دیگری

که درباره این ورزشگاه مطرح است، تغییر

نام آن از «سعدآباد» به «تختی» است. شاید

بسیاری بر این گمان‌اند که این تغییر نام از

حیث زمانی بعد از انقلاب اسلامی صورت

گرفته اما جالب است بدانید در کشاکش

«ثامن» به یاری «تختی» آمد



ورزشگاه تختی رفته رفته و با گذر زمان دیگر نمی‌توانست نیاز جامعه روبه‌پیشرفت ورزش خراسان را پاسخگو باشد. این بود که در سال ۱۳۷۳ زمینی به مساحت ۴۰۰ هکتار برای ساخت مجموعه دهکده المپیک آسیایی تأمین‌الاکمه در جاده‌شان‌دیز اختصاص داده شد. کلنگ احداث این پروژه عظیم دو سال بعد زده شد و بعد از ۹ سال (۱۳۸۴) زمین چمن این مجموعه افتتاح شد تا فوتبال استان از تختی به ثامن

گذری بر مراحل ساخت «سعدآباد»، نخستین مجموعه ورزشی مشهد که ۷۰ سال از عمر آن می‌گذرد

قلب ورزش مشهد به روایت تاریخ

مشهد است. اینکه مجموعه ورزشی تختی، قدیمی‌ترین مجموعه ورزش مشهد است. بدیهی و بلاشک است. اما در نگاه به آیینه تاریخ این سؤال اساسی وجود دارد که روند شکل‌گیری این بنای هویت‌ساز چگونه و مربوط به چه زمانی بوده است؟ تختی که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

ورزشگاه پیر شهر چه در دهه ۲۰ خورشیدی

و چه در سال‌های ابتدایی دهه ۳۰ دایر

شده باشد، به هر تقدیر حالا عمری قریب

به هفتاد‌واندی سال دارد. آنچه در اسناد

مکتوب و تاریخ شفاهی این بنای هویتی

ورزش مشهد ذکر شده همه بیانگر آن است

که روند شکل‌گیری مجموعه ورزشی تختی

به یک‌باره نبوده‌و طی سالیان متمادی رفته

رفته‌بخش‌های مختلف این مجموعه از زمین

چمن بگیرد تا پیست تارتان و سالن کشتی

ساخته شده‌است. اما مسئله مهم دیگری

که درباره این ورزشگاه مطرح است، تغییر

نام آن از «سعدآباد» به «تختی» است. شاید

بسیاری بر این گمان‌اند که این تغییر نام از

حیث زمانی بعد از انقلاب اسلامی صورت

گرفته اما جالب است بدانید در کشاکش

ورزشگاه پیر شهر چه در دهه ۲۰ خورشیدی

و چه در سال‌های ابتدایی دهه ۳۰ دایر

شده باشد، به هر تقدیر حالا عمری قریب

به هفتاد‌واندی سال دارد. آنچه در اسناد

مکتوب و تاریخ شفاهی این بنای هویتی

ورزش مشهد ذکر شده همه بیانگر آن است

که روند شکل‌گیری مجموعه ورزشی تختی

به یک‌باره نبوده‌و طی سالیان متمادی رفته

رفته‌بخش‌های مختلف این مجموعه از زمین

چمن بگیرد تا پیست تارتان و سالن کشتی

ساخته شده‌است. اما مسئله مهم دیگری

که درباره این ورزشگاه مطرح است، تغییر

نام آن از «سعدآباد» به «تختی» است. شاید

بسیاری بر این گمان‌اند که این تغییر نام از

حیث زمانی بعد از انقلاب اسلامی صورت

گرفته اما جالب است بدانید در کشاکش

رهبر معظم انقلاب پیشنهاد تغییر نام ورزشگاه سعدآباد را در آبان ۱۳۵۷ مطرح کردند

سعدآباد، «تختی» شد

غلام‌رضا تختی» تغییر دادند. بعد از این سخنان، مردم باتکیبر و صلوات، این مسئله را تأیید می‌کنند و نام این ورزشگاه از آن پس تغییر می‌کند. در بخشی از این سخنرانی آمده است:

«جامعه ورزشکاران و به خصوص جامعه کشتی‌گیران و همچنین همه ورزشکاران مسلمانند دیگر برادران و خواهران خود از این رنج می‌برده‌اند که یک چنین منطقه‌ای در شهر و یک چنین فضائی و این چنین تجهیزاتی هرگز نمی‌توانسته است با آرزمان‌های مذهبی و

در این محیط احساس خفگی می‌کرد و این احساس را بروز می‌داد و به خاطر همین (و به خاطر همین) شجاعت‌ها و شهامت‌ها بالاخره جان خود را از دست

داد. برادران ما، هم جامعه‌معلمین، که میزبانان ما و میزبانان بسیار عزیز ما هستند و سیاست همه ما بر آن‌ها و نثار آن‌ها و همچنین جامعه ورزشکاران و به خصوص کشتی‌گیران پیشنهاد کرد، من این پیشنهاد را در معرض میل و دید برادران و خواهران می‌گذارم، اگر خواستید تصویب می‌کنید و اگر تصویب کردید، حق با مردم است، حق با ملت است، همان، خواهد شد. پیشنهاد می‌کنند که این استادبوم را به نام پهلوان غلامرضای تختی نام‌گذاری کنید.»

سومین مجموعه به نام امام هشتم(ع)



سومین مجموعه ورزشی مشهد که بی‌تردید مدرن‌ترین و بهترین آن به حساب می‌آید، ورزشگاه امام رضا^(ع) است. ورزشگاهی که در دل شهر واقع و به همت آستان قدس رضوی ساخته شده‌است. این ورزشگاه که علاوه بر زمین چمن، برایش ۱۰ سالن ورزشی هم در زیر جایگاه تماشاگران تعبیه شده‌است در سال ۱۳۹۵ افتتاح شد. بیست‌وپنجم شهریور

سومین مجموعه ورزشی مشهد که بی‌تردید

مدرن‌ترین و بهترین آن به حساب می‌آید،

ورزشگاه امام رضا^(ع) است. ورزشگاهی که در

دل شهر واقع و به همت آستان قدس رضوی

ساخته شده‌است. این ورزشگاه که علاوه بر

زمین چمن، برایش ۱۰ سالن ورزشی هم در

زیر جایگاه تماشاگران تعبیه شده‌است در

سال ۱۳۹۵ افتتاح شد. بیست‌وپنجم شهریور